

ذہنیت ثروت مند



جانی ویمبری
رسول ابراہیمی

| | |
|-----|---|
| 3 | پیشگفتار |
| 18 | بخش اول: مشارکت در نجات خودتان |
| 31 | بخش دوم: یافتن یک راهنما |
| 44 | بخش سوم: ایجاد مسئولیت‌پذیری |
| 52 | بخش چهارم: تعیین اهداف |
| 58 | بخش پنجم: اجتناب از راه‌حل‌های دائمی برای موقعیت‌های موقت |
| 65 | بخش ششم: آرزوساز یا ریسک‌پذیر بودن |
| 74 | بخش هفتم: درک اینکه ذهنیت دیگران، واقعیت شما نیست |
| 83 | بخش هشتم: یافتن ترس |
| 91 | بخش نهم: انجام خودارزیابی برای یافتن دوستان و دشمنان |
| 98 | بخش دهم: تعیین محرک‌ها، تماشاگران و مشارکت‌کنندگان |
| 107 | بخش یازدهم: دوست آینده خودت باش از نظر ذهنی و جسمی |
| 128 | بخش دوازدهم: تو موقعیتت بمون |
| 131 | بخش سیزدهم: پذیرش نقاط بدون بازگشت |
| 138 | بخش چهاردهم: خوردن از یک بشقاب در هر زمان |
| 143 | بخش پانزدهم: بلند شدن از روی "اما" هایتان |
| 152 | نتیجه‌گیری |

هرگونه کپی برداری از این کتاب به هر شکل ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

سرشناسه کتاب

| | |
|---------------|---------------------------------|
| نام کتاب | ذهنیت ثروتمند |
| عنوان انگلیسی | building a millionaire mindset |
| نویسنده | جانی ویمبری |
| مترجم | رسول ابراهیمی |
| موضوع | موفقیت |
| نوبت چاپ | الکترونیکی |
| مشخصات نشر | دیجیتال - نشر به صورت الکترونیک |

پیشگفتار

چه چیزی برای موفقیت در شرایط اقتصادی بی سابقه امروز لازم است؟ مهارت، اراده، پشتکار، یا دانش؟

البته که همه اینها عناصر کلیدی موفقیت هستند، اما برای موفقیت واقعی در امروز و آینده، به چیزی بیشتر نیاز دارید. باید ذهنیت میلیونی داشته باشید.

سالها پیش، تماسی از جوانی دریافت کردم که میخواست با من آموزش ببیند و یاد بگیرد چگونه کاری را که من انجام میدهم، انجام دهد. احساس غرور نکردم. می دانم

میلیونها نفر در جهان هستند که می خواهند با صدای خودشان دنیا را تغییر دهند و من

همیشه درخواست‌های زیادی برای آموزش سخنرانان دریافت می‌کنم. به داستانش گوش دادم و به او گفتم که حاضرم به او آموزش دهم، اما این کار آسان نخواهد بود و نیاز به سرمایه‌گذاری مالی قابل‌توجهی دارد. او گفت که در آن زمان پول ندارد، اما آن را تهیه خواهد کرد.

بعد از آن، مکالمه را فراموش کردم، اما ظرف یک هفته، تماسی دریافت کردم که نه تنها زندگی جانی ویمبری، بلکه زندگی من را هم تغییر داد!

جانی آن سرمایه‌گذاری در آموزش با من را به میلیون‌ها دلار و تأثیرگذاری جهانی تبدیل کرد. او به معنای واقعی کلمه امپراتوری ساخته است که حالا به دیگران می‌آموزد چگونه رویاپردازی کنند و بهترین نسخه از خودشان شوند.

چه چیزی جانی را خاص می‌کند؟ او که در خیابان‌ها بزرگ شده بود، حالا به یک رهبر فکری مورد احترام و مربی برجسته در دنیای توسعه فردی تبدیل شده است.

جانی دوست دارد بگوید: از محله‌های فقیرنشین به انجام کارهای بزرگ رسیدم! چگونه این کار را کرد؟ او موانع به‌ظاهر غیرقابل‌عبور را شکست و در حالی که بسیاری دیگر تسلیم می‌شدند، او ادامه داد. چه چیزی او را این قدر توقف‌ناپذیر کرد؟

او از اصول کتاب ساخت ذهنیت میلیونی استفاده کرد.

اگر آماده‌اید زندگی و حساب بانکی‌تان را مانند جانی تغییر دهید، این کتاب را بخوانید! در این صفحات، ذهنیت میلیونی درون شما بیدار می‌شود و خودتان را در حال رشد و تبدیل شدن به شخصی خواهید یافت که برای آن آفریده شده‌اید.

استراتژی‌ها، اصول و حقایقی که جانی به اشتراک می‌گذارد، فراتر از هر چیزی است که

قبلاً با آن مواجه شده‌اید.

جانی همسری فداکار و پدری نمونه است و من باور دارم او رسالتی که برای زندگی‌اش مقدر شده را دنبال می‌کند صدایی برای تحول. ما همه خوش‌شانس هستیم که او حاضر است آموخته‌هایش را با جهان به اشتراک بگذارد.

تبریک به شما که روی خودتان سرمایه‌گذاری کرده‌اید و با خواندن کتاب ساخت ذهنیت میلیونری، از ذهنیت محدود خود خارج شده‌اید و به سوی بزرگی قدم برداشته‌اید.

لس براون

سخنران، مربی و نویسنده برنده جایزه امی

قدردانی

از کریستال ویمبری و خانواده‌ام تشکر می‌کنم. از عشق و حمایت بی‌قیدوشرط شما همیشه سپاسگزارم.

تشکر ویژه از کارول فیلدز، درک ویلیامز و تیمم در سیستم‌های آموزشی ویمبری برای زمان، فداکاری و کار تیمی بی‌حدومرزی که این کار را ممکن کردند.

از دیپا چنگی برای کمک در تدوین این کتاب بسیار سپاسگزارم.

و از ۲ مارکت مدیا و استیو کارلیس برای باور به رویایم و حمایت از من در هر قدم این مسیر تشکر می‌کنم.

و تشکر عظیم از مک‌گراو هیل برای فرصتی که برای انتشار این کتاب به من داد.

تا به حال هیچ میلیونری با نام خانوادگی ویمبری قبل از من وجود نداشته است. من اولین نفرم. پدرم زباله جمع کن بود. او بسیار سخت کوش بود؛ تنها چیزی که در او می دیدم، سخت کوشی بود. او میلیونر نبود، اما ذهنیت پدرم که ما را از مسیر کامیون زباله اش با خانه های چندمیلیون دلاری آشنا کرد، تأثیر مستقیمی بر رویا، اشتیاق و انگیزه من برای رشد عظیم داشت.

روبا فقط با قرار گرفتن در معرض تجربه ها شکل می گیرد. چه او می دانست یا نه، پدرم رویایم را درست مانند گلف بازی که توپ را برای دید بهتر و ضربه ای قوی تر آماده می کند، به من نشان داد. من هیچ کس را در خانواده ام، چه از طرف سیاه پوستان و چه سفید پوستان، نمی شناسم که هنگام مرگش یک میلیون دلار در بانک داشته باشد. در کودکی، هیچ وقت انتظار ارثی یا دسترسی به صندوق امانی در ۱۸ سالگی نداشتم. چنین چیزی برایم وجود نداشت. اما برای فرزندانم وجود خواهد داشت، چون کتابی که در دست دارید، توسط یک میلیونر واقعی و نسل اولی نوشته شده است.

با این حال، می خواهم لحظه ای از پول فاصله بگیرم. ابتدا می خواهم درباره شخصیت شما صحبت کنم. موفقیت تبدیل شدن به اولین میلیونر نسل خود در خانواده کاملاً به شخصیتی بستگی دارد که با خود به میدان می آورید. قبل از اینکه حتی به پول، موفقیت یا شهرت فکر کنید، ابتدا باید حتماً باید با شخصیت خودتان گفت و گو کنید. شخصیت واقعی تان، همان کسی که وقتی تنها هستید، هستید. بدون داشتن شخصیت درست و بدون دانستن اینکه کی هستید و چه توانایی هایی دارید، هرگز به موفقیت واقعی دست نخواهید یافت و آن را حفظ نخواهید کرد.

موفقیت واقعی باید از درون آغاز شود. شما موفقیت را می‌سازید! موفقیت نباید شما را بسازد. به همین دلیل است که ذهنیت میلیونی باید از درون شروع شود تا نه تنها به دست آورید، بلکه آن را حفظ کنید و ثروتی برای نسل‌ها به جا بگذارید.

این کتاب درباره همین است. درباره بستن قراردادهای فروش، اداره یک شرکت چندمیلیون دلاری یا کسب درآمد از کار جانبی برای ترک شغل اصلی‌تان نیست. این کتاب درباره ساختن شخصیتی است که برای موفقیت نیاز دارید. من قویاً باور دارم افرادی که مدام روی موفقیت درونی و شخصیت خود کار می‌کنند، در نهایت موفقیت‌های بیرونی زیادی خواهند داشت.

تقریباً هر میلیونی که مربیگری یا آموزش داده‌ام، هر مشتری تجاری که هدایت کرده‌ام، و هر فردی که راهنمایی کرده‌ام، وقتی با او آشنا شدم، بی‌پول و مشتاق زندگی بهتری بود. امروز بسیاری از آن‌ها میلیونر هستند، نه به خاطر مهارت‌های تجاری یا توانایی‌شان در متقاعد کردن دیگران برای خرید. خیر. به این دلیل که من همان ذهنیت میلیونی را که در خودم نهادینه کرده‌ام، در آن‌ها نیز نهادینه کرده‌ام؛ سه کلید مهم که برای داشتن شخصیت یک میلیونر نسل اولی لازم است. اگر این کلیدها این عضلات ذهنی را نسازید و مدام تمرین نکنید، موفقیت شما کوچک و زودگذر خواهد بود.

قبل از اینکه به سرعت به بخش اول کتاب بروید، از خود بپرسید آیا اشتیاق دارید گذشته را کنار بگذارید و نسخه جدیدی از خودتان بسازید؟ اینجا هیچ میانبری برای کسب ذهنیت واقعی یک میلیونر نسل اولی وجود ندارد. هیچ تقلب کردنی در کار نیست. این زندگی

شماست. باید کار را انجام دهید.

برای شروع، به این سؤالات پاسخ دهید:

- آیا انگیزه دارید خودتان را به شخصی تبدیل کنید که مطمئن است نه در حال کار کردن، بلکه در حال تماشای ثروتی که کارش برای نسل‌ها به جا می‌گذارد، از دنیا خواهد رفت؟
 - آیا به خودتان اجازه می‌دهید بیانیه‌ای بنیادین برای رویا داشته باشید که می‌گویید: من به فرزندانم و نسل‌های بعدشان بدهی به جا نمی‌گذارم، بلکه ثروت برای نسل‌ها به جا می‌گذارم. اعضای خانواده‌ام می‌توانند از کار من زندگی کنند، کاری که آن‌ها را برای کارهای شخصی خودشان آماده می‌کند، حتی اگر مسیرشان کاملاً متفاوت باشد.
- اگر به یکی یا هر دو سؤال پاسخ مثبت دادید، آماده‌اید ذهنیت یک میلیونر نسل اولی را بپذیرید. تقلید از ذهنیت میلیونری بسیار مهم‌تر از تقلید از یک صنعت یا محصول است. محصولات و صنایع تغییر می‌کنند و حتی ممکن است از بین بروند، اما ذهنیت میلیونری برای نسل‌ها ماندگار است. آیا آماده‌اید در خانواده‌تان کسی باشید که ثروتی پایدار خلق می‌کند؟ اگر بله، باید آماده باشید درباره خودتان یاد بگیرید، چیزهایی را کشف کنید که فکر می‌کردید فراموش کرده‌اید یا پنهان کرده‌اید، و به شخصی تبدیل شوید که شخصیت یک میلیونر نسل اولی را

دارد. اگر واقعاً اشتیاق سوزانی برای به کارگیری این ذهنیت و پذیرش مسئولیت تبدیل شدن به یک میلیونر نسل اولی دارید، از شما دعوت می‌کنم ادامه دهید.

سه کلید ضروری برای شخصیت هر میلیونر نسل اولی که می‌شناسم این‌هاست:

ارزش: آیا برای خودتان و توانایی‌هایتان ارزش قائل هستید؟ اگر واقعاً می‌خواهید با پایه‌ای محکم در زندگی موفق شوید، ابتدا باید ارزش شخصی خود را درک کنید و به آن احترام بگذارید. همان‌طور که اثر انگشت و DNA هر انسان منحصر به فرد است، چیزی در شما وجود دارد که فقط شما برای به جا گذاشتنش روی این سیاره آفریده شده‌اید.

تمام پاسخ‌های شخصی شما در طول سفرتان با تکمیل این کتاب، صفحه به صفحه، کشف و آشکار خواهد شد. ارزش شخصی شما مستقیماً به اعتماد به نفس و حالتی که به هر گفت‌وگو، معامله یا ارائه می‌آورید، مرتبط است. اعتماد به نفس و حالت فقط وقتی ظاهر می‌شوند که بتوانید ارزش خدادادی خود را حقیقتاً شناسایی کنید و با آن قدم بردارید. جهان برای نسل‌ها از کسانی که به ارزش واقعی خودشان دست پیدا می‌کنند، سود می‌برد.

ایمان: آیا به خودتان ایمان دارید؟ نه به ایده‌هایتان. نه به تیمتان. نه به محصولتان. نه به وبسایتتان. حتی نه به خانواده‌تان. به خودتان. وقتی اوضاع خراب می‌شود، وقتی بهترین کارمندهایتان استعفا می‌دهند، یا وقتی محصولتان در بازار شکست می‌خورد، آیا ایمان دارید که می‌توانید از صفر شروع کنید و دوباره موفقیت خلق کنید؟ باید به خودتان و توانایی‌هایتان ایمان داشته باشید. وگرنه، اولین موج شما را کاملاً با خودش می‌برد.

کسانی که مدام به خودشان ایمان می‌آورند، در نهایت به سطح بسیار بالاتری از هدف شخصی دست پیدا می‌کنند. من در این کتاب دقیقاً همان روش‌هایی را که هنوز هم برای

تقویت ایمان به خودم استفاده می‌کنم، به شما نشان می‌دهم. من در فقر به دنیا آمدم و اولین خاطره‌ام از زمانی است که بی‌خانمان بودم و در پناهگاهی زندگی می‌کردم. زنده‌ترین خاطرات بعدی‌ام از زمانی است که در کلاس دوم دبستان مردود شدم و وقتی در نوجوانی به جرم سنگین بازداشت شدم. این‌ها فقط چند مورد از موانع بسیاری هستند که در این کتاب با شما به اشتراک می‌گذارم. اما با وجود همه این‌ها، من هنوز ایمان داشتم. در ۲۰ سالگی تصمیم گرفتم که گذشته‌ام آینده‌ام را تعیین نکند! این ذهنیت به‌تنهایی یکی از کلیدهای ایمانی بنیادین من بود که مرا به مردی که امروز هستم، تبدیل کرد.

تعهد: آیا تعهدی دارید که این مسیر را تا انتها بروید؟ آیا با خودتان به اندازه کافی صادق هستید که مطمئن شوید ۱۰۰ درصد انرژی‌تان را ۱۰۰ درصد اوقات به این تلاش اختصاص می‌دهید؟ بدون تعهد، کنار کشیدن خیلی آسان است. بدون تعهد، هرگز یک میلیونر نسل اولی نخواهید شد.

تسلط بر ثروت و ذهنیت میلیونری را مانند خانه‌ای تصور کنید که می‌خواهید بازسازی‌اش کنید. می‌توانید درها را عوض کنید، پنجره‌ها را بازسازی کنید، و گاراژ اضافه کنید، اما پیمانکار به شما خواهد گفت که برخی دیوارها را نمی‌توانید دست بزنید. این دیوارها برای ساختار خانه حیاتی‌اند. بدون آن‌ها، همه‌چیز فرو می‌ریزد. این سه کلید ارزش، ایمان و تعهد مانند آن دیوارها هستند. خانه دور آن‌ها ساخته شده است. شما هم تفاوتی ندارید. نمی‌توانید با آن‌ها بازی کنید، نمی‌توانید با آن‌ها مذاکره کنید، و بدون آن‌ها نمی‌توانید موفق شوید.